



شاهنامه در گذر اسطوره، افسانه و حماسه

خلیل الله صادق‌لو^۱، معصومه مهدوی^۲، مریم قوانلو^۳

۱- نویسنده اول - استاد، دانشگاه فرهنگیان، گنبد کاووس، گلستان، ایران

۲- نویسنده دوم- دبیر، آموزش و پرورش گنبد، گلستان، ایران

۳- نویسنده سوم- مدیر، هنرستان، رامیان، گلستان، ایران

چکیده

برترین نیروی انسان در برقراری ارتباط، زبان و قدرت گفتار و سخن‌گویی او است. انسان با پیشرفت و تکامل جسمی و عقلانی خود توانست از نیروی تکلم خود که یکی از برترین قوای نهاده در وجود اوست بهره‌جوید که بعدها به تدریج تکامل می‌یابد و در ادمه‌ی این تکامل، ادبیات که پیشرفته‌ترین شکل زبان بشری است ایجاد می‌شود و شعر به عنوان عمیق‌ترین و تاثیرگذارترین نمود آفرینش ادبی، جریان سیال ذهن و روان و اندیشه‌ی مردم را به ظهور می‌رساند. ابوالقاسم فردوسی با توانایی شگرف و قلم شیوایش توانسته شاهنامه را که حاصل باورها، احساس‌ها و اندیشه‌های بزرگ مردم ایران است را بسراید. شاهنامه لبریز از مفاهیم و اندیشه‌های آسمانی مردم ایران است. برای شناخت این مفاهیم، باید اسطوره، حماسه و افسانه را به خوبی درک نمود. نگارنده بر آن شده است که جایگاه شاهنامه را از دیدگاه سه‌واژه‌ی اسطوره، حماسه و افسانه بررسی نماید تا با شناخت بهتر این واژگان، به مفاهیم بلند شاهنامه دست یابد.

واژگان کلیدی: شاهنامه، افسانه، اسطوره، حماسه.